

بسمه تعالی

پرونده شماره ۴۳
شعبه یک
حکم شماره ۱-۴۳-۲۵۸

IRAN UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL	دادگاه داری دعوی ایران-ایالات متحده
ثبت شد - FILED	
Date	8 OCT 1986
	۱۳۶۵ / ۱۰ / ۱۶
No.	43
	تاریخ
	شماره

اوایل فیلد آو تگزاس، اینتکورپوریتد،
خواهان،

- و -

دولت جمهوری اسلامی ایران،
شرکت ملی نفت ایران،
شرکت خدمات نفت ایران،

خوانندگان.

نظر مخالف محسن مصطفوی

لازم میدانم نسبت به برخی از مواردیکه با رأی حاضر موافق نیستم توضیحاتی را
بیان نمایم:

۱- در رأی راجع به لوایحی که در تسلیم آنها تأخیر شده یا به اذن دیوان
تقدیم گردیده، لکن این اذن خلاف اصول بوده است، باجمال تمام صحبت شده و
نحوه و ترتیب آن توضیح داده نشده است. بموجب دستور ۱۵ اوت ۱۹۸۵ مقرر
میشود: "هر طرف باید تا ۲۹ نوامبر ۱۹۸۵ نسخ هرگونه دلیل و مدرک مستندی
را که در رد مدارک تسلیمی قبلی بدانها استناد خواهد کرد همراه با فهرست

تکمیلی این قبیل مدارک معارض و با مشخص کردن محل هر سند در پرونده ثبت نماید". در این دستور قید میشود "با توجه باینکه اکنون قرار است جلسه استماع در روزهای ... برگزار شود هیچگونه تمدید مهلت دیگری صورت نخواهد گرفت". چندی بعد نماینده رابط دولت جمهوری اسلامی ایران اعلام مینماید که بعلت درگیری این دولت با پرونده‌های کثیر در این دیوان و سایر مراجع، خواندگان قادر نیستند لایحه معارض خود را که اکنون ترجمه انگلیسی آن در حال ماشین شدن است بموقع ثبت نمایند و لذا درخواست پانزده روز تمدید مینمایند. دیوان با این درخواست موافقت نمیکند و طی دستور سوم اکتبر ۱۹۸۵ اعلام میدارد در صورتیکه این لایحه بعد از مدت مقرر ثبت شود "دیوان بعد از جلسه استماع با در نظر گرفتن امکان خواهان جهت بررسی آنها و تسلیم ادله و مدارک معارض در مورد قبول یا عدم قبول ادله و مدارک مزبور تصمیم خواهد گرفت." (تأکید اضافه شده است). باین ترتیب بنظر میرسد اصولاً مجرد از آنکه خواننده لایحه معارض خود را بموقع یا خارج از وقت ثبت مینمود دیوان در نظر داشت به خواهان امکان دهد آنها را بررسی و در قبال آنها مدارک معارض دیگری ثبت نماید. بهر حال پس از دستور فوق خواننده الزاماً "قسمتی از لایحه معارض خود را در روز مقرر ثبت و قسمت دیگر را که مربوط به ارزیابی بوده است در تاریخ ۵ دسامبر ۱۹۸۵ یعنی فقط با شش روز تأخیر ثبت میکند. دیوان در دستور ۱۲ دسامبر خود از خواهان میخواهد تا تاریخ ۱۳ ژانویه یعنی سه روز قبل از جلسه استماع (البته بعداً "جلسه استماع بجهت دیگری که ربطی باین موضوع نداشت بتأخیر افتاد) لایحه معارضی در مقابل لایحه معارض خواننده چه آنچه در موقع ثبت شده و چه آنچه که در ثبت آن شش روز تأخیر گردیده به ثبت رساند. در دستور اخیر دیوان قید شده بود "دیوان بعد از جلسه استماع در مورد قابل قبول بودن یا نبودن اظهاریه شرکت ملی نفت ایران و پاسخی که خواهان احتمالاً مایل است درباره آن به ثبت رساند تصمیم خواهد گرفت". هر چند در مورد تأخیر شش روزه که از آن ورود هیچ لطمه‌ای به خواهان قابل تصور نیست لکن بلحاظ نفس تأخیر قابل توجیه است که دیوان در خصوص قابل قبول بودن یا غیر قابل قبول بودن آن بعداً اتخاذ تصمیم نماید. اما این موضوع بهیچ وجه قابل توجیه نیست که

در مورد این لوایح معارض بخواهان اجازه داده شود لایحه معارضی ثبت نماید و باز دیوان باین اکتفا نکند حتی اجازه دهد در مورد لایحه‌ایکه طبق دستور دیوان و در تاریخ مقرر به ثبت رسیده است خواهان مجدداً " لایحه معارض دیگری ثبت کنند و تحمل نماید او تا بآن حد پیش‌رود که حتی خواسته خود را در این آخرین مرحله افزایش دهد و دیوان نیز این لوایح را بپذیرد. اگر نظر دیوان این بوده است که لوایح معارض باید همزمان به ثبت برسد این خود دستور دیوان بود که برای ثبت لایحه معارض خوانده تاریخ ۲۹ نوامبر را تعیین کرد و خوانده نیز لایحه معارض خود را جز در مورد ارزیابی در همان تاریخ مقرر ثبت نمود. بنا براین با اجازه دادن به خواهان که لایحه معارضی با این لایحه ثبت نماید باز ثبت همزمان لوایح معارض حاصل نمیشود بلکه خواهان این امتیاز را تحصیل میکند که برخلاف اصول بجای آنکه آخرین لایحه از طرف خوانده ثبت گردد، آخرین لایحه توسط خواهان به ثبت میرسد. بدین ترتیب بنظر من دیوان راهی را با شتاب طی کرده و از این طریق به خوانده بدون تردید لطمه وارد شده است.

۲- در رأی موضوع دفاع خوانده در خصوص غیر مشروع بودن مبانی قرارداد بلحاظ قرین بودن آن با رشوه باختصار هرچه تمامتر برگزار شده در صورتیکه بنظر من با توجه باینکه خوانده در اینخصوص به تفصیل دفاع نموده و دلائلی را عرضه کرده و درباره آنها توضیحات مشروح بیان داشته لازم بوده است در این باره بررسی بیشتری صورت میگرفت. از آنجهت که نتیجه گیری نهائی من با نظرسر اکثریت مغایر است لازم می بینم خلاصه‌ای از جریاناتیکه منتهی به عقد این قرار شده است بیان گردد.

شرکت ملی نفت ایران در اوایل سال ۱۹۷۵ بمنظور خرید تعدادی لوازم کنترل فشار Blowout preventor چاههای در حال حفاری از طریق آسکو اقدام مینماید. برای انجام این منظور با شرکت کامرون مذاکره میشود لکن این شرکت اعلام میدارد ساخت و تحویل این وسائل یکسال بطول خواهد کشید. بنا براین تصمیم گرفته میشود این وسائل برای مدت یکسال کرایه گردد. آیروس IROS که از جانب آسکو برای یافتن وسائل و انجام تحقیقات بمنظور تعیین قیمت و شرایط

اجاره اقدام میکرده است طی تلکسی بتاريخ ۲۶ فوریه ۱۹۷۵ شرایط و قیمت اعلام شده از طرف شرکت راکر Rucker را با اطلاع آسکو میرساند و حتی اعلام میسازد ۴ دستگاه مورد نیاز را رزرو کرده است چون قیمت های اعلام شده و شرایط این کرایه مناسب تشخیص داده میشود آسکو اقدامات اولیه بمنظور عقد قرارداد را که منجمله کسب مجوز از کمیسیون معاملات بوده است انجام میدهد. لکن در تاریخ ۹ آوریل ۱۹۷۵ بدون هیچ تغییری در تصمیم آسکو، آبروس طی تلکسی بدون هیچ اشاره به اقدامات قبلی اعلام میدارد.

"...booking for rental of 2x7 1/16 and 2x11 inch BOP stacks complete with choke manifold at rental rates DRS 989.00 and DRS 1176 each per day respectively. equipment stated in my letter dated 25 Feb. has been shipped to Houston but will not be assemble tested until written signed purchase order number has been issued. Contract will be signed upon certified documents and shipment to forwarder. In order to hold equipment longer I must have three months advance rental or letter of credit made out to James Drennan Allied Bank of Texas Houston Texas. Your prompt reply will be appreciated. unquote. Grateful you authorize three months advance rental urgently and also authorize us to issue letter of intent based on Drennan's quotation of 25 Feb. and let us have RFC's and contract number as soon as convenient if you are in agreement with terms of hire".

در این تلکس هیچ ذکری از پیشنهاد راکر نیست و همان نرخ های قبلی نیز در اینجا بعنوان پیشنهاد شرکت D اند S عرضه میشود و درخواست میگردد با پیسش پرداخت بمنظور انجام قرارداد موافقت شود. چند روز بعد یعنی طی تلکس مورخ ۱۶ آوریل، آبروس اطلاع میدهد چون شرکت D اند S در آمریکا ثبت نشده و پرداختها و حمل و نقل دریائی با اشکال مواجه خواهد شد:

"We therefore proposed to D & S Services that the hire contract be placed with

Oil Field Rental in U.S.A. we have contacted oil Field Rental who agree to take over the contract based on D & S Services and who would appoint Mr. Drennan of D & S Services as their London agent in this matter."

خواهان نیز تایید میکنند که آقای درنان بعنوان واسطه اوایل فیلد عمل میکرده و پس از دریافت پول کمیسیونی با آقای درنان پرداخت نموده است. (شهادتنامه تکمیلی آقای راج ص ۱۲۸). هر چند نرخهای ارائه شده از طرف شرکت راکس و همچنین شرکت D & S (خواه این شرکت واقعا وجود داشته یا خیر) بمراتب کمتر از قیمت ارائه شده از طرف اوایل فیلد بوده است معهذا قرارداد با اوایل فیلد منعقد میشود، بدون آنکه شرایط قرارداد متضمن امتیازات خاصی بمنفع مستاجر باشد برعکس شرایط سخت قرارداد علیه مستاجر که پس از این درباره آن صحبت خواهد شد نشان میدهد آنچه در این انتخاب نصیب مستاجر شده است شرایط سخت قرارداد و پرداخت اجاره بهای بیشتر بوده است.

در عین حال با وجود آنکه اوایل فیلد متعهد بوده است شهادتنامه ای با قیود سوگند ارائه دهد که:

"Neither the company nor any of its subsidiaries or affiliates nor any of officers, directors, employees or agents has paid either directly or indirectly or liability for any fees, commissions, bonuses, gratuities or other payments or considerations to brokers, agents, finders, or other persons ... whether in or out of Iran...."

(تاکید اضافه شده است) این شهادتنامه امضا و ارائه میشود لکن از پرداخت کمیسیون هیچ ذکری نمیشود و این امر که اکنون بطور صریح اعلام میگردد در آن تاریخ مورد کتمان قرار میگردد.

مدافعات شرکت اوایل فیلد دایر باینکه از طریق شرکت کامرون در مورد نیاز آسکو به وسایل جلوگیری از فوران اطلاع حاصل نموده و بلافاصله پیشنهاد خود

را برای ارائه این لوازم در تاریخ ۲۶ فوریه ۱۹۷۵ به اسکو ارسال داشته است مشکلی را حل نمیکند. زیرا منشاء اطلاع هرچه باشد بسیاری از ابهامات از جنبه‌های دیگری هنوز باقی خواهد بود که همانها برای ایجاد تردید در مشروعیت معامله کفایت خواهد کرد. اگر اوایل فیلد از طریق شرکت کامرون به نیاز اسکو به این وسایل مطلع شده و مستقیماً "پیشنهاد خود را به اسکو تحویل نموده چه نیازی بمداخله و وساطت آقای درانن میتوانسته است داشته باشد و چه امری ایجاب میکرده است مبالغی بعنوان کمیسیون بوی پرداخت گردد و این امر نیز با وجود التزام بقید سوگند بر فاش کردن آن مکتوم نگهداری شود؟

بعلاوه تاریخ ۲۶ فوریه ۱۹۷۵ که اوایل فیلد بیان میدارد پیشنهاد خود را به اسکو ارسال داشته دقیقاً "تاریخی است که آبروس طی تلکسی شرایط و قیمت اعلام شده از طرف راکر را با اطلاع اسکو میرساند و اعلام میدارد:

"We have booked 4 stocks accordingly"

و از آن پس نیز اوراق پرونده نشان میدهد اسکو اقداماتی را برای عقد قرارداد با راکر انجام میدهد که از جمله اخذ مجوز از کمیسیون معاملات است و در طی این مدت هیچ مدرکی ارائه نشده است تا ادعای خواهان را باین مضمون تایید نماید:

"On February 26, 1975, Oil Field submitted a bid on the equipment it understood that OSCO wanted. APP. 133. Simultaneously, Oil Field put the equipment on hold, and would not rent it to anyone else."

اوایل فیلد هیچ مدرکی متضمن مکاتبات همزمان ارائه نمیدهد تا این ادعای غریب را با اثبات برساند. بر عکس مدارک موجود در پرونده نشان میدهد که در مکاتبات آبروس و اسکو تا اواسط آوریل ۱۹۷۵ نامی از شرکت اوایل فیلد در میان نبوده است مع هذا هنگامیکه در ماه می قرارداد امضا میشود تاریخ اجرای آن ۲۶ فوریه تعیین میگردد. اگر اوایل فیلد در تاریخ مذکور پیشنهادی عرضه کرده باشد اقدامات بعدی نشانه عدم قبول پیشنهاد اوست زیرا معقول بنظر نمیرسد مستاجر در زمان واحد پیشنهاداتی از دو شرکت دریافت کند لکن بدون هیچ علتی

پیشنهادی را بپذیرد که شرایط آن بر ضرر او است و حتی علی رغم عرف تجاری از زمان ارائه پیشنهاد خود را متعهد به پرداخت اجاره بها نماید در صورتیکه هنوز معلوم نیست با این پیشنهاد موافقت خواهد شد یا خیر، مگر آنکه ————— از یکرشته روابط پنهانی که قبول این شرایط را تضمین میکند آگاهی داشته باشد. در صورتیکه مدارک پرونده بوضوح نشان میدهد تا اواخر آوریل ۱۹۷۵ هنوز صحبت از امضای قرارداد با راکر بوده است این شک و تردید قویاً "بوجود میآید که چگونه ممکن است از طرفی دیگر اقداماتی برای عقد قرارداد با اوایل فیلد در جریان باشد که هیچ مدرکی از آن در پرونده ارائه نشده و از آن گذشته بصرف یک پیشنهاد برای مستاجر الزامات و تعهداتی بوجود آید. خواهان لزوم این تعهدات را بوضع بازار و مطلوبیت این وسایل در آن تاریخ منسوب میکند لکن این سوال ابهام انگیز را کماکان بدون پاسخ میگذارد که با وجود این گرمی بازار و اینکه خود مدعی است مستقیماً نیاز ایران را باین وسایل از طریق کامرون دریافت کرده و خود بی واسطه با اسکو تماس حاصل نموده چه اموری ایجاب میکرده است تا آقای درنن از بابت واسطه بودن کمیسیونی پرداخت کند.

وقتی این مقدمات غیر متعارف با شرایط سخت معامله تواما "در نظر گرفته شود تردیدات قوی در خصوص مشروعیت این معامله بوجود میآید و آنرا از حد یک "معامله مطلوب" که در رای اکثریت توصیف شده است خارج میکند. این شرایط سخت از حد "مطلوبیت بازار" فراتر میروند و نگاهی گذرا این نکته را با اثبات میرساند که بنظر نمیرسد شرایط Arms length contract را داشته باشد. رهوس این شرایط بشرح زیر احصا میشود:

در حالیکه قرارداد در اواسط می ۱۹۷۵ با مضا میرسد تاریخ اجرای قرارداد ۲۶ فوریه معین و مستاجر از این تاریخ خود را متعهد به پرداخت اجاره بها مینماید در صورتیکه در این تاریخ اصولاً معلوم نبوده است قراردادی با اوایل فیلد منعقد خواهد شد یا خیر.

قرارداد مقرر کرده بود که از تاریخ اول می سه ماه پیش پرداخت تادیه شود در حالیکه مقرر بود وسایل بین هشتم تا بیست و دوم می آزمایش و بعداً تحویل گردد.

تمام مسئولیتها بعهده مستاجر گذارده شده بود و موجر تنها متعهد بود اطلاعات مربوط به این قرارداد را محرمانه نگه دارد و نتیجه آنکه قیمت نو این دستگاهها که در سال ۱۹۷۵ حدود دو میلیون دلار بود با این ترتیب خوانده ملزم به پرداخت بیش از شش میلیون دلار شد که در عین حال مالک دستگاه هم نبود و بموجب قرارداد مسئولیت داشت یا آنرا بنحو قابل استفاده تحویل دهد یا قیمت آنرا بپردازد و یا مرتبا " کرایه پرداخت نماید .

هرچند از اواخر سال ۱۹۷۸ پرداخت کرایه ماهیانه این دستگاهها بتعویق افتاد، لکن این تاخیر در پرداختها نظیر سایر تعهدات در سازمانهای دیگر بخاطر وقایع انقلاب بود. مدارک پرونده (شهادتنامه آقای راج بند ۹) نشان میدهد در ژوئن ۱۹۷۹ شرکت ملی نفت ایران کرایه برخی از تجهیزات را تا دسامبر ۱۹۷۸ بوسیله اوایل فیلد پرداخت کرد. این امر بوضوح نشان میدهد پس از استقرار حکومت جدید و نظم اداری پرداخت صورتحسابهای معوقه مورد نظر بوده است. " اما در تاریخ ۱۲ ژوئیه ۱۹۷۹ اوایل فیلد یک پیام تلکس از شرکت خدمات نفت ایران با مسئولیت محدود دریافت کرد که در آن گفته شده بود دادگاه اسلامی اهواز به شرکت ملی نفت ایران دستور داده است از پرداخت به فیلد طبق قرارداد کرایه خودداری کند" (شهادتنامه آقای راج بند ۹). مدارک موجود در پرونده حکایت از این دارد که متعاقب کشف نامه محرمانه آقای تونی دیاموند سرپرست قراردادهای حفاری اسکو به آقای بوش مدیر اداره کل حفاری اسکو که طی آن از روابط غیر معمول و متعارفی که منتهی بعقد قرارداد اجاره شده است گفتگو بعمل آمده دادگاه انقلاب اهواز بشرکت نفت دستور میدهد از ادامه پرداخت خودداری کند. هرچند نامه آقای دیاموند بنظر اکثریت "غیر مبهم" نیامد، لکن مطالعه متن آن روشنگر این نکته میباشد که چه اقدامات غیر متعارفی در عقد این قرارداد موثر افتاده است. بنابراین با توجه باینکه انتساب آن بآقای دیاموند مورد انکار قرار نگرفته، متن آن ذیلاً نقل میشود تا اولاً معلوم گردد آیا ابهامی در آن وجود دارد یا خیر. ثانیاً " چگونگی فعالیتها از زبان کسی شنیده شود که در جریان وقایع بوده و این نامه را نه بقصد افشا، بلکه خطی نوشته و محرمانه با اطلاع مدیر حفاری رسانده و خواسته است ویرا از حوادث پنهانی آگاه سازد. متن نامه چنین است :

محرمانه به : ا.ج. ا.ج. بوش (فقط)
از : ا.آ.ر. دیاموند

قبل از استخدام در شرکت اسکو (شرکت سهامی خاص خدمات نفت ایران) اینجا نسب از معامله بین شرکت اسکو و اوایل فیلد رنتال در مورد (بی.ا.و.پی.) دستگاهای کنترل چاه نفت مطلع بودم. منابع این اطلاعات آقای آلن راج، رئیس شرکت اوایل فیلد رنتال و آندرو ویکس از شرکت آیروس (شرکت خدمات نفت ایران - لندن) میباشند. من هر دو این اشخاص را در زمانی که تصدی پست مدیر عامل شرکت "افشورد ریلینگ ساپلایر" را داشتم ملاقات کردم. من نمایندگی آلن راج در دریای شمال را داشتم و قسمتی از دستگاهای او را در اختیار شرکت فیلیپین پترولیوم در نروژ قرار داده بودم. ویکس مامور خرید شرکت آیروس در لندن بود.

در آوریل ۱۹۷۶، من از آقای راج در لندن برای نهار دعوت کردم و از او خواستم که نمایندگی شرکت خود را برای خاورمیانه به شرکت من بدهد جایی که ما قصد داشتیم خود را تثبیت کنیم. او موافقت کرد، البته با استثنای ایران که بگفته او سیستم خیلی پیچیده‌ای برای دریافت پول از اسکو وجود داشت و همچنین سیستم پیچیده‌ای برای توزیع پول بین کسانی که برای او کاری در اسکو بدست آورده بودند. و گفت که اجاره لوازم شرکتش (دریافتی) بیش از چیزی است که تقاضا کرده و حزم و احتیاط زیادی لازم است که او میخواست شما "با آن (معاملات در ایران) سروکار داشته باشد.

در ماه اگوست ۱۹۷۵ نمایشگاهی در مورد صنعت نفت در آبردین تشکیل شد و شرکت من (ا.و.دی.اس) میزبان آندرو ویکس بود که مامور خرید آیروس برای وسایل مورد استفاده حوزه‌های نفتی بود. در جریان نمایشگاه ویکس برای من فاش کرد که او در معامله‌ای دست داشته است با دوستی از شرکت شل که در قسمت سفارشات کالا در اسکو کار میکرد و جیم دری نان از شرکت را کرد در ایران و اینکه ویکس داشت سهم خودش را که پول نقد قابل ملاحظه‌ای بود دریافت میکرد و قصد داشت در صورتیکه موقعیت مناسبی پیش بیاید سرمایه‌گذاری کند. و متذکر شد که معامله شامل عرضه (بی.ا.و.پی) به شرکت اسکو در ایران بوده.

با در دست بودن اطلاعات بالا با اوایل فیلد رنتال مذاکره کرده‌ایم و ۲۵ در صد کاهش برای قیمت‌های سال پیش و ۱۵ در صد کاهش در قیمت‌های ماه پیش آنها گرفته‌ایم

اطلاعات بالا درباره اشخاص در زمان اشتغال من در اوایل فیلد بدست آمده بود و نه در موقع کارکردن با اسکو. امیدوارم که شما به حیثیت و تمامیت حرفه‌ای من با محرمانه نگهداشتن این اطلاعات احترام خواهید گذاشت (رعایت خواهید کرد) و امیدوارم که این اطلاعات بعنوان زمینه قبلی مفید باشد.

این نامه، شهادتنامه بقصد تایید ادعای یکی از طرفین دعوی نبوده است بلکه بدون قصد حمایت از دعوی یکی از طرفین و در زمانی که دعوائی مطرح نبوده بعنوان یک منبع اطلاع از چگونگی مقدماتی که منتهی بعقد اجاره شده در اختیار شرکت نفت ملی ایران قرار گرفته و بنابراین با توجه به نحوه دستیابی باین مدرک و اینکه متضمن اعلام اطلاعاتی همزمان با عقد اجاره بوده و اصالت آن مورد تکذیب قرار نگرفته و نظر باینکه نویسنده این اطلاعات را محرمانه و تنها در اختیار یک تن فرد مسئول قرار داده، لذا ارزش آن بیش از یک شهادتنامه است و چون مضمون آن تا حدود جولای ۱۹۷۹ فاش نشده، بنابراین تجدید قرارداد یا پرداخت کرایه بلحاظ محرمانه بودن آن تا قبل از تاریخ فاش شدن نامه نمیتواند دلیل تایید ضمنی قرارداد تلقی شود. در این نامه هرچند بصراحت نامی از پرداخت رشوه برده نشده است، لکن موادی از آن بوضوح فساد این معامله و غیر مشروع بودن مبادی آنرا از لحاظ پرداختهای ناموجهی که مشوق انجام معامله بوده است برملا میسازد.

۳- توجیحات اکثریت را در مورد نحوه قیمت گذاری سه دستگاه جلوگیری از انفجار موجه نمی بینم. اکثریت که در رای حاضر صلاحیت دیوان را برای رسیدگی بادعای خواهان علیه شرکت نفت بر مبنای سابقه رای هیئت عمومی محرز می بینند از نظر نحوه پرداخت غرامت نیز روشن است که باید همین رای را مبنا قرار دهیم. بنظر هیئت عمومی، شرکت نفت در حالی جانشین بالفعل اسکو میتواند شناخته شود که اصل "غرامت مناسب" هم اعمال گردد. اعمال اصل "غرامت مناسب" با جانشینی شرکت نفت در مورد مسئولیتهای اسکو هر دو در یک رای عنوان شده و از هم قابل تجزیه نبوده است که دیوان قسمتی را از رای هیئت عمومی اخذ و قسمت دیگر را از سایر سوابق دیوان اقتباس نماید.

علاوه بر این دیوان در عدم قبول ارزیابی خواننده که توسط دو موسسه مستقلاً صورت گرفته است تنها باین نکته اکتفا میکند که: "ارزیابی تسلیمی شرکت نفت مبتنی براین فرض بوده که دستگاهها معیوب بوده است، لکن مدارک تسلیمی مؤید این فرض نیست قطع نظرا زاین فرض ارزیابی شرکت نفت تفاوت چندانی با ارزش گذاری

تسلیمی توسط خواهان ندارد. علاوه بر این، عواید بیمه دستگاه معدوم شده مبلغ قابل توجهی بوده که کم و بیش با ارقام تسلیمی خواهان مطابقت میکند. بر اساس مراتب پیش گفته، دیوان بر این نظر است که در آغاز ژوئیه ۱۹۷۹ ارزش سه دستگاه مزبور که توسط شرکت نفت ضبط شده ۱,۴۸۵,۶۹۲ دلار بوده و خواهان استحقاق دریافت این مبلغ را دارد".

با این استدلال در واقع فرض اکثریت این بوده است که دستگاههای نو و مستعمل قیمت واحدی دارند و البته این فرض نادرستی است. این دستگاهها با هر آلیاژی که ساخته شده باشد با توجه به اینکه در مجاورت حرارت و همچنین تحت فشار فوق العاده زیاد قرار دارند و در عین حال با مواد شیمیائی آلوده میشوند طبیعی است که بتدریج فرسوده خواهند شد. اسلایدهائی که خواننده در جلسه استماع ارائه کرد بوضوح این فرسودگیها را نشان میداد. حداقل اینست که اکثریت عامل کهنگی و فرسودگی را که قهری و بسیار طبیعی است در محاسبه قیمت اعمال ننموده و ارزیابی یکطرفه خواهان را پذیرفته است.

در پذیرش ارزیابی خواهان نسبت به عامل تقاضا برای این دستگاهها اغراق شده است بدین توضیح " ادله ومدارک حاکیست که از آغاز ژوئیه ۱۹۷۹ برای دستگاههای مورد بحث تقاضای شدیدی وجود داشته و دستگاههای جدیدی جهت جایگزینی آنها از نوعی که در قرارداد کرایه داده شده بود باسانی یافت نمیشد. ادله ومدارک حاکیست که در سال ۱۹۷۹ برای تهیه یک دستگاه جدید جلوگیری از فوران ۱۸ ماه وقت لازم بود، علاوه بر این همانطور که قرارداد اجاره نشان میدهد، اجاره دستگاههای مزبور ممر درآمد قابل ملاحظه‌ای بود" این استدلال ناظر به دستگاههای نو است لکن برای دستگاههایی که سالها مورد استفاده قرار گرفته نمیتوان قیمت نو را بجای آن محسوب داشت. این دستگاهها بصورت نو به خواننده تحویل نشد بعلاوه حدود ۵ سال نیز مورد استفاده خواننده قرار گرفت. ماده ۵ - ۱۰ قرارداد نیز که مقرر میباشد در خاتمه قرارداد کلیه تجهیزات باید بهمان وضعیت که در موقع تحویل بوده است مسترد گردد "با استثنای فرسودگی عادی که در نتیجه استفاده لوازم حاصل گردیده" فرسودگی ناشی از استعمال را پیش بینی کرده است بنا بر این نمیتوان قیمت

نو و مستعمل رایکی دانسته دستگاهها ئیرا که سالها مورداستفاده واقع شده و عمر آنها بطور قهری کوتاه گردیده و از قیمت آنها کاسته شده در تعیین قیمت جانشین بهای دستگاه نو را محسوب دارد. بنابراین نظر اکثریت باین عبارت "این موضوع که آیا دستگاههای مورداختلاف مستعمل بوده یا نه مسأله تعیین کننده ای در مورد ارزش آنها نیست" با توجه بواقعیات مذکور در فوق و تاثیر طبیعی فرسودگی در قیمت دستگاه نمیتواند صحیح باشد. محکوم ساختن خواننده به پرداخت قیمت نو در قبال تجهیزات کهنه و مستعمل در واقع دارا کردن بلاجهت خواهان از کیسه خواننده است. آنچه بنا بر استدلال اکثریت میتواند است مورداستحقاق خواهان قرار گیرد نظیر و جانشین همان دستگاههایی است که مورد مصادره ادعائی قرار گرفته نه تجهیزات بهتر و سالمتر که اکثریت آنرا مورد حکم قرار داده است.

لاهور، ۸ اکتبر ۱۹۸۶، ۱۶ مهر ماه ۱۳۶۵

مصطفوی

محسن مصطفوی